

تعلیم و تربیت در دوره شاهنشاهی ساسانیان

این فصل منقول است از کتاب « وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان » که ترجمه آقای مجتبی مینوی از کتاب - Empire des Sassanides تألیف مستشرق بزرگوار پرنسور آرتور کریستنسن دانمارکی است . ترجمه مزبور تحت طبع است و از جمله انتشارات کمیسیون معارف است .

کارآخوندها تنها اجرای مراسم نبود بلکه مدبران و مرشدان اخلاقی و طبیبان روحانی مردم بودند . شکی نیست که لاقلاً قسمتی از تعلیم ابتدائی و کلیه معارف عالیه بدست ملاحا بود . لکن افسوس که درین باب اطلاعی بما نرسیده است . میدانیم که ملکزادگان و فرزندان اعیان خواندن و نوشتن و حساب کردن فرا گرفته و درنخچیر و چوگان و شطرنج^۱ و نرد و سوانی تربیت دیده و فرهخته بودند ، حاجت بیان نیست که جوانان اشراف قبل از هر چیز بایستی رسم سلحشوری را بیاموزند^۲

۱ - در کار نامک اردشیر پایگان گوید که اردشیر چون بسال فرهنگ آموختن رسید « به دبیره و اسواریه و ایاریک فرهنگ اینون فرخت کواندر یارس نامیک بوذ » و چون اردوان اورا دید « فرمود کوه روز ایانک فرزندان و اسپوهرکان خویش او نخچیر [و] چویپکان روذ ... (و او) به چویپکان و اسواریه [و] چترنگ و وین ارتخشیر و ایاریک فرهنگ از اویشان (همگی) چیرو ورتک بوذ . » ولی بازی شطرنج تازه در زمان خسرو اول بایران رسید .

۲ - منذر ملك عرب چیره که متکفل پرورش و تعلیم ملکزاده بهرام (بهرام پنجم یا کور) گردیده بود کسی را بیابخت ایران فرستاد که گروهی از فتهای ایران و استادان دانشمند و ماهر در فن تیراندازی و سواری و دبیری و مؤدبین سایر فرهنگها برای تربیت او حاضر کرد و فرزاتگانی از حکمای ایران و روم و سخنسرایان و راویانی از عرب برای او گرد آورد و ایشان را ملازم بهرام گردانید و برای هر استاد و ادیب و آموزگاری ساعتی خاص معین کرد که در آن وقت برای تعلیم او حاضر شوند .

اما در خصوص تعلیم عامه از منابع اطلاعات ما چیزی بدست نمی آید . ۱

۱ - دیهکانان در هر وقت و زمان بایستی پیش معامین دینی بخوبی تربیت دیده و تهذیب یافته باشند : این طبقه تا قرنهای پس از سقوط شاهنشاهی ساسانیان روایاتی از قصص و تواریخ ملی را بحیثیتی که به دین پیوسته و باز بسته بود حفظ کرده بودند . بی شک جمع کثیری از اهل بلاد خواندن و نوشتن و محاسبه را لا اقل آموخته بودند . خط موسوم به « پهلوی » بسیار عجیب بود . اسماء و افعال کثیر الاستعمال آن ، ضمائر و حروف اضافه آن ، و بسیاری از سایر انواع کلمات ، همه کلمه ای آرامی بود که در موقع خواندن آن را بیارسی تلفظ میکردند (این طریقه را هزارشن گویند) . چنین زبانی برای حیات روزگزار گروه سوداگر و بازرگان و پیشه ور چنان غیر لایق و ناشایسته مینماید که میتوان بیداهت عقل حکم کرد که در غیر مصنفات علمی و دینی و تاریخی که ملاها انشاء میکردند ، و خارج از اسناد رسمی دولتی ، زبانی ساده تر متداول بوده است ، چنین زبانی که بکلمات ایرانی صرف نوشته شده و متعلق بهد ساسانی است اکنون در اوراق و جزوه هایی از کتب و رسائل مانویان که در ترفان مکشوف گردیده مشهود است .

انجمن ایران ولهستان

اخیراً در ورشو جمعی از دوستان ایران درصدد بر آمدند که برای تشدید مبانی دوستی مملکتین و آشنا ساختن محافل علاقمند ایران ولهستان بحواله روحی واجتماعی و ادبی و علمی یکدیگر انجمنی بنام « انجمن ایران ولهستان » تاسیس کنند . این انجمن در روز ۲۴ اسفند ۱۳۱۲ که مصادف با جشن میلاد اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی بود تاسیس گردیده است . اعضاء « انجمن ایران ولهستان » قرار ذیل تعیین شده اند :

هیئت رئیسه انجمن	
رئیس	فرمانده کل قوای ساختاری ایالت ورشو
عضو	نقاش و متخصص صنایع ظریفه
»	معلم زبان فارسی در مؤسسه شرقی ورشو
»	رئیس جماعت تانار های ورشو
منشی	منشی و مترجم سفارت ایران
	آقای ژنرال یار نوشکیویچ Gén. Yarnouchkiewicz
	آقای پروفیسور سکوچیللاس Prof. Skoczilas
	آقای دکتر زایونچکیوسکی Doc. Zayonczkowski
	آقای عبدالحمید خورامویچ Abd. Khoramowicz
	مادام ماری مارینوسکا Mme Marie Marinowska

هیئت تقمیش
رئیس مسلمانان ورشو
عضو وزارت خارجه لهستان و ایران شناس
تاجر ایرانی

آقای کریجنسکی
Mr. Kriczinski
آقای ویدینو
Mr. Woydyno
یوسف پرورن